

کمی هم به وقت دیگران احترام بگذاریم

اهمیت وقت در شهرهای بزرگی چون تهران به دلیل دوری مسافت‌ها و فشردگی کارها بر کسی پوشیده نیست.



اهمیت وقت در شهرهای بزرگی چون تهران به دلیل دوری مسافت‌ها و فشردگی کارها بر کسی پوشیده نیست.

این مسئله باعث می‌شود تا همه برنامه‌ای را برای بموقع انجام دادن کارهای خود تنظیم کنند. در اینجاست که وقت ارزشی برابر با طلا می‌یابد. اما یک اصل دیگر هم وجود دارد و آن اینکه همه کارها مطابق با زمان‌بندی افراد پیش نمی‌رود؛ به‌ویژه اگر شهروندان مراعات وقت و برنامه یکدیگر را نکنند. از این رو یکی از اصول شهروندی احترام به وقت دیگران است.

می‌توان نمونه‌های زیادی از زندگی روزانه آورد و نشان داد که چگونه این مهم رعایت نمی‌شود. یکی از این نمونه‌ها را از صبح تا شام می‌توان در اتوبوس‌های شهری دید. البته در تلاش و پشتکار شبانه‌روزی رانندگان اتوبوس‌های شهری که در گرما و سرما به جابه‌جایی شهروندان می‌پردازند، تردیدی وجود ندارد اما گاه برخی از شهروندان بر این نظرند که صبح‌ها وقتی برای رفتن به سر کار و یا عصرها هنگام بازگشت به خانه، سوار اتوبوس می‌شوند، برخی از رانندگان رعایت وقت آنها را نمی‌کنند و در سرچهارراه‌ها برای سوار کردن مسافر آنقدر معطل می‌کنند که گاهی چند برابر زمان معمول را پشت چراغ قرمز می‌گذرانند. به این طریق، این رانندگان که تا خرخره مسافر سوار می‌کنند، هم وقت شهروندان را تلف می‌کنند و هم حق دیگر همکاران خود را در سوار کردن مسافر نقض می‌کنند.

بستری از آتش و انفجار

از زمان‌های گذشته که از باروت به‌عنوان خرج گلوله استفاده می‌شد، به همه هشدار می‌دادند که نزدیک انبارهای باروت، آتش نی‌فروزند؛ چراکه کوچک‌ترین جرقه‌ای می‌توانست به یک آتش‌سوزی گسترده و مرگبار بینجامد. با وجود اینکه امروزه از انبارهای باروت در نزدیکی فضای زندگی عمومی کمتر نشانی هست و دیگر کسی نگران آن نیست اما به نظر می‌رسد که برخی شهروندان علاقه‌مند هستند که به جای انباشتن انباری‌های خود با باروت، آنها را با گالن‌های بنزین پر کنند! اکنون باید به این دسته از افراد گفت که تنها صورت مسئله تغییر کرده است. به این معنا که وجود بنزین در انباری آپارتمان‌ها و یا در صندوق خودرو نه تنها خطر کمتری نسبت به باروت ندارد که به مراتب بیشتر و فاجعه‌بارتر از آن است.

همانگونه که در عکس می‌بینید، این روزها برخی از شهروندان به تصور گران شدن بهای بنزین و یا هر دلیل دیگری مبادرت به پرکردن گالن‌های خود با بنزین کرده و سپس آنها را برای روز مبادا اندوخته می‌سازند. در این عکس که در یکی از جایگاه‌های بنزین گرفته شده فردی را نشان می‌دهد که در حال انجام این کار است. شهروندانی که به این کار می‌پردازند، آگاهانه و یا ناآگاهانه بستری برای خود و دیگران روی این ماده بسیار آتش‌زا و خطرناک فراهم می‌آورند و به این طریق به حادثه ناگواری دامن می‌زنند. از این دسته از شهروندان می‌خواهیم که جداً از این کار خودداری کنند و جان و امنیت خود و دیگران را بر هر چیز دیگری مقدم بدانند. همین چند روز پیش در خبرها آمده بود که خودرویی به دلیل وجود گالن بنزین در صندوقش آتش گرفته بود. همچنین خوب است مسئولان ترتیبی اتخاذ کنند تا از این پس در جایگاه‌های بنزین به افراد گالن به‌دست- مگر در شرایط اضطراری- بنزین فروخته نشود.

خطر بیخ گوش ماست

خطرات همیشه و در همه موقعیت‌ها در گوشه‌ای کمین کرده‌اند و منتظر فرصت هستند تا بیرون آیند. به غیر از برخی موقعیت‌های خطرناک که ناخواسته نقش ما در ایجاد آنها کم‌رنگ بوده، موقعیت‌هایی هستند که ما خود، آگاهانه در آنها پذیرای خطر می‌شویم. این بی‌قیدی و بی‌توجهی در نادیده گرفتن خطر و استقبال از آن بیشتر مواقعی رخ می‌دهد که فرد برای پیدا کردن کوتاه‌ترین، آسان‌ترین و با صرفه‌ترین راه جهت انجام کاری، به خیال خودش تمام موانع پیش‌رو- بخوانید قانونی- را دور زده و از اینکه کارش را جلو انداخته است، آسوده و خوشحال می‌شود و از همه جالب‌تر اینکه خود را عقل کل می‌پندارد و دیگران را هم به این بی‌قانونی فرا می‌خواند! او از این نکته ظریف غافل است که همه این راه‌ها از نظر میزان خطرات و مشکلات آتی که در بر دارند، پیش‌تر آزموده شده‌اند و آنگاه مطابق با آنها قانون وضع شده است.

به همین خاطر، دور زدن و نادیده گرفتن قانون ممکن است ما را در کوتاه مدت به هدف مان برساند، اما در بلندمدت اثرات زیانبار خود را خواهد گذاشت. از این دست کارها زیاد می‌توان بر شمرد. یکی از رایج‌ترین نمونه‌های آن را می‌توانید در این عکس که رضا ظریفی آن را از یکی از بزرگراه‌های شهر گرفته است، ببینید. این راننده که به خیال خودش خواسته در وقتش صرفه جویی کند و از

ایستادن در صف پمپ گاز راحت شود، این روش بسیار خطرناک و غیراستاندارد را برای پر کردن منبع گاز خودرویش انتخاب کرده است. او این نکته بدیهی را فراموش کرده است که اگر این روش درست و مناسب بود حتما نیازی به ایجاد پمپ گاز نبود و همه شخصا می‌توانستند این کار را انجام دهند.

با وجود اینکه بارها و مکررا از طریق رسانه‌ها خطرات انجام چنین کارهایی گوشزد شده اما باز هم عده‌ای مانند این شهروند به این کار مبادرت می‌کنند و جان خود و دیگران را در معرض خطر قرار می‌دهند. در همین زمینه عده‌ای دیگر از شهروندان هم به جای مراجعه به نمایندگی‌ها و تعمیرگاه‌های مجاز برای نصب منبع گاز ماشین خود، آن را به دست تعمیرکاران ناشی می‌سپارند و خطرات بیشتری را به جان می‌خرند.

در همین زمینه: